**٤ - ایام مهمّهٴ نه گانه و احکام و متعلّقاتش**

و از حضرت عبدالبهاء در خطابی است قوله العزیز : " ای ثابت بر پیمان نامهٴ شما رسید از کثرت مشاغل جواب مختصر مرقوم میگردد در ایام سنه نه روز اشتغال بشغلی فی الحقیقه جائز نه بعضی بنصوص الهیّه و بعضی قیاس بآن یوم اوّل و ثانی محرّم و سه یوم عید رضوان و یوم هفتادم نوروز و یوم نیروز و یوم بیست و هشتم شعبان و یوم پنجم جمادی الاولی**[[1]](#footnote-1)** امّا یوم ششم قوس اشتغال ممنوع نه اگر یاران احیاناً شادی مینمایند این طوعاً بدلخواه ایشان است امّا فرض نه و واجب ایّامی است که تعلّق بجمال ابهی و نقطهٴ اولی دارد یعنی این نه روز اشتغال بکسب و تجارت و صناعت و زراعت جائز نه و همچنین اجرای مقتضای مناصب و وظائف یعنی اجرای خدمت حکومت و علیک البهاء الابهی ع ع "

و در خطابهٴ دیگر قوله العزیز : " همان یوم اول که دو بغروب مانده است در آن شغل و عمل جائز نه "

و در خطابی دیگر قوله العزیز : " در سه روز عید رضوان شغل حرام است روز اوّل و روز نهم و روز دوازدهم و همچنین عید مولود حضرت اعلی و عید مولود جمال مبارک و عید نوروز و عید مبعث مقصود آنکه در ایّام اعیاد اشتغال حرام است امّا در رضوان سه روز و اگر در نوروز نیز در ایّام معدوده بیش از یکروز ترک اشتغال نمایند این عادت محبوب ولی فرض و واجب نیست "

و در خطابی دیگر قوله العزیز : " یوم مبعث حضرت اعلی و یوم هفتادم نوروز و روز بیست و هشتم شعبان و یوم اوّل محرّم و یوم ثانی محرّم و یوم نوروز و سه روز رضوان اشتغال بامور حرام است "

و نیز از آن حضرت در خطابی است قوله العزیز : " ایّامی که اشتغال حرام است فلّاح آبیاری را بروز بعد تأخیر نماید امّا چوپان معذور است زیرا الضّرورات تبیح المخطورات حیوانات گرسنه مانند امّا مدیران اداره و صاحبان زراعت ولو رنجبران ایشان بهائی نباشند باید تعطیل شود "

و قوله الغزیز : " در حقّ چوپان در ایّام ممنوعة از کار در عید رضوان سخت گرفته نشده است بجهت این است که ظلم بحیوان است امّا آبیار میتواند محلّی مهیّا نماید که در ایّام ممنوعة آب در آنجا جمع گردد و در اوقات سائره در زراعت داده شود "

و از حضرت ولیّ امراللّه است قوله الصّریح : " اشتغال بامور در ایّام متبرّکهٴ منصوصه از محرّمات حتمیّه .... موظّفین ادارات و اطفالی که بمدارس اغیار میروند باید کمال سعی را در تحصیل اجازهٴ معاف شدن بنمایند در صورت عدم قبول و امکان مطیع و منقاد باشند .... در خصوص خبّازها و قصّابها و صاحبان این قبیل مشاغل در نقاطی که مشاغل مزبوره منحصر باحبّاء است سؤال نموده بودید که در این قسمت استثنائی در ایّام محرّمهٴ متبرّکه برای آنان است یا نه فرمودند بنویس کسر حدود بهیچوجه من الوجوه جائز نه و استثنائی مقبول و محبوب نبوده و نیست سستی و تهاون در اینمورد علّت ازیاد جرئت و جسارت دشمنان امر اللّه خواهد گشت "

و در ابلاغیه است : " راجع بتقاضای اماء الرّحمن در افتتاح مدرسه بشرحی که معروض داشته بودید فرمودند بنویس مقبول و پسندیده نبوده و نیست مشروعات مستقلّهٴ امریّه چه رسمی و چه غیر رسمی باید من دون استثناء متمسّک بحدود اللّه و مروّج اصول شریعة اللّه باشند تأسیسات مستقلّهٴ ادبی و علمی و تجاری بهائیان در ایران باید کلّ من دون استثناء تنفیذ حکم کتاب اللّه را نمایند و در اجراء شعائر امریّه و احترام نوامیس الهیّه و اعلای شأن و عزّت جامعه بر افراد سبقت جویند و مصالح شخصیّه و منافع مادیّه و عزّت ظاهره را فدای مصالح امر اللّه و مقتضیات دین اللّه و احتیاجات شریعة اللّه نمایند این است مأیه سعادت حقیقی یاران و علّت اصلی تقدّم و استخلاص آئین حضرت یزدان در آن سامان "

و قوله المطاع الاکید : " و امّا محافل و لجنات و دوائر امریّه در ایّام اعیاد و مصیبات تعطیل آنها احسن و اولی ولی قرار قطعی و نهائی در آن خصوص راجع به بیت العدل عمومی است "

و نیز از حضرت عبدالبهاء در خطاب بمیرزا قابل آباده‌ای است قوله المحبوب : " در سؤال و جواب مندرج یوم بعثت در یوم کمال از شهر عظمت واقع و یوم شهادت در یوم سلطان از شهر رحمت واقع این نصّ قاطع است و نصوص قاطعه را هیچ امری معارضه ننماید بعد چنین خواهد شد ولی چون در ایّام مبارک این دو یوم مقدّس در پنجم جمادی الاولی و بیست و هشتم شعبان گرفته میشد و در ساحت اقدس احبّا حاضر شده اظهار سرور میفرمودند و در یوم شهادت اظهار حزن و تأثّر شدید از شمائل جمال مبارک ظاهر لهذا ما نیز الی الآن این دو یوم را در این دو تاریخ میگیریم ولی آنچه نصوص است بعد مجری میشود در یوم شهادت حضرت اعلی و صعود جمال قدم اشتغال امور دنیا جائز نه امّا در خصوص یومین مولودین نصّ در یوم اوّل و یوم ثانی محرّم وارد شده است "

و از حضرت عبدالبهاء قوله العزیز : " هو الابهی سبحانک اللّهم تقدّس ادنی آیة من آیات ملکوتک عن المحامد و النّعوت فی جمیع الشّؤن و ... جناب اسم اللّه آنچه مرقوم نموده بودند ملاحظه گردید .... امّا در خصوص عقد مجالس عهد مرقوم فرموده بودند هیچ قضیّه اعظم و اقوی و أشدّ و اکبر از نفس میثاق الهی و ایمان و پیمان ربّانی تصور نتوان نمود چه که در هیچ کوری چنین امری واقع نشده که در کتاب اقدس بیست و پنجسال پیش از صعود این نصّ صریح صحیح منصوص گردد و جمال قدم جمیع احبّایش را باین فیض الهی پرورش دهد و تربیت فرماید و بعد بأثر قلم اعلی عهدی ... محکم متین بگیرد در جمیع الواح و زبرش ذکر این عهد را بفرماید و تشویق متشبّثین را بنماید و تبرّی از ناقضین بکند اگر کسی باین حبل متین و زنجیر حدید مرتبط نگردد بچه حبل او را توان بست سلاسل و اغلال عالم وجود او را نبندد ولی آنجناب اگر بخواهند که در اینخصوص اسباب فراهم آورند که اسباب شدّت تشبّث گردد آیات و کلماتی که در این خصوص عهد و میثاق در جمیع الواح الهی نازل جمع فرمایند و بعد از قرائت کتاب عهد در مجلس آن کلمات را تلاوت فرمایند که شأن ثابتین چه و شأن متزلزین چه این از جمیع امور اعظم است .

امّا در خصوص یوم جلوس مرقوم فرموده بودند جلوس این عبد این است که بعبودیت آستانهٴ مبارکه و نشر نفحات قدسش و اعلاء کلمه‌اش بتأییدات ملکوت ابهایش موفّق شویم پس از صعود آن جمال مبین و افول آن شمس علّییّن و محرومی و حرمان و مهجوری و هجران از مشاهدهٴ آن انوار تابان ای خاک بر سر من و بر جلوس من الیوم باید که جمیع توجّهات محصور بر اعلاء شوؤن تقدیس و ظهور حقایق تنزیه و اشتغال بر استقرار بر کلمات اللّه گردد در ملأ عالم بین امم به نشر نفحات جانبخش حضرت احدیت مشغول شد .

در خصوص مسألهٴ یوم معلوم همانست که از پیش مرقوم گردید بعد ملاحظه شده که آنحضرت قدری از آن جواب افسرده شدید و از جهت دیگر نیز اصرار در این مساله کسان دیگر در جهات سائره بینهایت مینمایند و شاید در جائی بدون استیذان اجرا نمایند آنوقت اسباب حزن شدیدی از عدم اجازه بجهت آن حضرت حاصل گردد لهذا این قضیّه را موکول و محوّل بر رأی خود آنجناب نموده که بهر قسم و هر وقت که مصلحت بدانند مجری دارند اگر صد و هشتاد روز چیزی از یوم صعود بگذرد که أبعد ایّام از یوم صعود باشد بهتر است و اگر چنانچه کلّ از این فکر بگذرند خوشتر و دلکش‌تر آید الیوم جمیع افکار را در توسیع دائرهٴ تبلیغ و شوق و ذوق احبّاء باید صرف نمود ع‌ع "

و از حضرت ولیّ امراللّه در ابلاغیّه‌ای است : " تاریخ بعثت و شهادت حضرت اعلی و جلوس حضرت عبدالبهاء همان است که در ایّام مبارک حضرت عبدالبهاء در بین احبّای غرب معمول و مجری بود تغییری داده نشد و قرار قطعی نهائی راجع به بیت عدل اعظم است .... و فرمودند اصل لوح مبارک که بافتخار جناب قابل است بعنوان این عبد ارسال دارند ....

1. روز بعثت اعلی یوم الکلمات من شهر العظمة سنهٴ ١ که ٥ جمادی الاولی ١٢٦٠ ٢٣ می ١٨٤٤ روز اوّل رضوان یوم القدرة من شهر الجلال سنه ١٩ اوّل ثور سنهٴ ١٢٧٩ - ٢١ آپریل سنه ١٨٦٣ روز شهادت یوم السّلطان من شهر الکلمات سنهٴ ٦ – ٢٨ شعبان سنهٴ ١٢٦٦ - ٢٩ جولای سنه ١٨٥٠ صعود حضرت بهاءاللّه یوم العلم من شهر العظمة سنهٴ ٤٨ دوّم ذیقعده سنه ١٣٠٩ - ٢٨ می ١٨٩٢ و ایام مهّمهٴ مسلمین در حدیث از عبد اللّه بن مسعود از نبی ص انّه قال انّ اللّه قد اختار من الایّام اربعة اوّلها یوم الجمعه و الثّانی یوم عرفه و الثّالث یوم النّحر و الرّابع یوم الفطر ( ملّخص از کتاب تنبیه الغافلین ) [↑](#footnote-ref-1)